



# آداب تربیت در روند نوگرایی



از خلال آداب نامه‌های  
اجتماعی دوره قاجار

سهیلا ترابی فارسانی  
زرین شریفیان پور

## آداب تربیت در روند نوگرایی

(از خلال آداب‌نامه‌های اجتماعی دوره قاجار)



# آداب تربیت در روند نوگرایی

(از خلال آداب‌نامه‌های اجتماعی دوره قاجار)

سهیلا ترابی فارسانی

زرین شریفیان‌پور

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه عنوان و نام پدیدآور	ترابی فارسائی، سهیلا، ۱۳۴۳ - آداب تربیت در روند نوگرایی (از خلال آداب نامه‌های اجتماعی دوره قاجار) / سهیلا ترابی فارسائی، زرین شریفیان پور. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۱. ۲۵۴ص: ۵/۱۴×۵/۲۱؛ م.س.م. 978-600-8687-82-5	
مشخصات نشر مشخصات ظاهری شابک	فپیا پسران -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی - قرن ۱۳ق. Boys -- Iran -- Social life and customs -- 19th century	
وضعیت فهرست نویسی موضوع	پسران -- ایران -- آموزش و پرورش -- تاریخ -- قرن ۱۳ق. Boys -- Iran -- Education -- History -- 19th century	
موضوع	پسران -- ایران -- راهنمای مهارتهای زندگی Boys -- Life skills guides -- Iran	
موضوع	دختران -- ایران -- آموزش و پرورش -- تاریخ -- قرن ۱۳ق. Girls -- Education -- Iran -- History -- 19th century	
موضوع	دختران -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی -- قرن ۱۳ق. Girls -- Iran -- Social life and customs -- 19th century	
موضوع	دختران -- ایران -- راهنمای مهارتهای زندگی Girls -- Life skills guides -- Iran	
موضوع	شناسه افزوده رده بندی کنگره رده بندی دیویی شماره کتابشناسی ملی	شریفیان پور، زرین، ۱۳۴۶ - DSR1315 ۹۵۵/۰۷۴۰۴۴ ۸۸۱۸۹۰۶



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

آداب تربیت در روند نوگرایی

(از خلال آداب نامه‌های اجتماعی دوره قاجار)

سهیلا ترابی فارسائی

زرین شریفیان پور

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: فریبا علایی

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰

ISBN: 978-600-8687-82-5

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۸۲-۵

قیمت: ۱۸۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

Website: nashretarikheiran

Instagram: nashretarikheiran

Telegram channel: @nashretaarikh

Email: nashretarikheiran@gmail.com

## سخن ناشر

نشر تاریخ ایران لازم می‌داند توجه مخاطبان را به این نکته مهم جلب نماید، طبق قرار تعیین، اعلام و تعهدشده طرف قرارداد با ناشر، مسئولیت ویرایش، تصحیح و مقابله متن به عهده صاحب اثر (مؤلف، مصحح و مترجم) است و ناشر بنابر تعهداتش، حق هیچ دخل و تصرفی را در متن ندارد.

نشر تاریخ ایران



## فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۲۹	تربیت اطفال
۳۵	گفتار اول
۳۹	گفتار دوم
۴۵	گفتار سوم
۴۹	گفتار چهارم
۵۳	گفتار پنجم
۵۹	گفتار ششم
۶۷	گفتار هفتم
۷۳	گفتار هشتم
۷۹	گفتار نهم
۸۵	گفتار دهم
۹۱	گفتار یازدهم
۹۵	گفتار دوازدهم
۹۷	تربیت البنات
۹۹	دیباچه
۱۰۱	درس اول: علم تدبیر منزل



- ۱۱۱ قسمت اول در صفات لازمه کدبانو
- ۱۱۱ درس دوم: در خصوص نظم
- ۱۱۶ درس سوم: بقیه رشته راجع به نظم مادی
- ۱۲۱ درس چهارم: دفترهای راجع به تدبیر منزل
- ۱۲۳ درس پنجم: (۲) نظم اخلاقی (۳) نظم عقلی
- ۱۳۲ درس ششم: در پاکیزگی و نظافت
- ۱۳۸ درس هفتم: بقیه رشته نظافت
- ۱۴۱ درس هشتم: بقیه رشته نظافت
- ۱۴۶ درس نهم: بقیه رشته نظافت
- ۱۵۳ قسمت دوم طریقه تغذیه
- ۱۵۳ درس دهم: اقسام غذا
- ۱۶۱ درس یازدهم: بقیه رشته تغذیه
- ۱۶۵ قسمت سوم طریقه ملبوس
- ۱۶۵ درس دوازدهم: پیراهن
- ۱۷۳ قسمت چهارم طریقه محل سکنی
- ۱۷۳ درس سیزدهم: انتخاب منزل
- ۱۷۶ درس چهاردهم: بقیه رشته انتخاب منزل - تجدید هوا
- ۱۷۹ درس پانزدهم: چراغ منزل - گرم کردن اتاق
- ۱۸۷ قسمت پنجم طریقه پرستاری مرضی
- ۱۸۷ درس شانزدهم: منزل مریض - مریض - طیب - دوا
- ۱۹۲ درس هفدهم: مواظبت حال مرضی تا ورود طیب
- ۱۹۷ قسمت ششم مواظبت اطفال
- ۱۹۷ درس هیجدهم: رختخواب - صندوقچه رخت طفل

۲۰۴	درس نوزدهم: بقیه رشته مواظبت اطفال
۲۰۴	قوای بدنی - تغذیه
۲۱۲	درس بیستم: اعمال بدن طفل، دقت در اعضا حواس
۲۱۹	در مبحث تهیه اغذیه
۲۳۹	منابع و ماخذ
۲۴۱	تصاویر
۲۵۳	نمایه



## مقدمه

خواندن این اثر ما را با دگرگونی‌های روش‌های تعلیم و تربیت در دوره قاجار و همچنین در دوران گذار آشنا می‌کند. این که آموزش‌ها در آن زمان چگونه بوده است، ساختار سنتی جامعه چه انتظاراتی از دختران و پسران جوان داشته و براین اساس آنها چگونه برای ایفای نقش‌های اجتماعی خود آموزش می‌دیدند و پرورش می‌یافتند. با ورود نوگرایی، نه تنها مواد درسی جدید عرضه شد که شیوه آموزش و پرورش و به تدریج فلسفه آموزش دگرگون شد. نخبگان جامعه در قالب متون تعلیمی دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کردند و می‌کوشیدند روش‌های مناسب آموزشی را تعلیم دهند. این اثر شامل دو آداب‌نامه تعلیمی یکی برای دختران و دیگری برای پسران است که می‌تواند جزئیات این تعالیم را بازتاب دهد. امروزه روش‌های آموزش و پرورش نه تنها بسیار اهمیت یافته است که همچنان در حال دگرگونی است و بدیهی است روند این دگرگونی‌ها ما را با چالش‌های این مسیر بهتر آشنا خواهد کرد.

آداب‌نامه‌ها متونی تادیبی-تعلیمی هستند که نگارش آنها قدمتی طولانی دارد. آن بخش از آداب‌نامه‌ها، اندرزنامه‌ها یا پندنامه‌هایی که به امر سیاست پرداختند با عنوان سیاست‌نامه معروف شدند و بیشتر شناخته شده‌اند. اما درکل آداب‌نامه‌ها دسته‌ای از کتاب‌های تعلیمی-تادیبی محسوب می‌شوند که گستره وسیعی از اخلاق، معاشرت، نظافت، غذاخوردن، لباس پوشیدن، مهمانی رفتن، امور مذهبی و پزشکی، امور خانوادگی، ازدواج، فرزندپروری و تعلیم و تربیت و

نمونه‌هایی از این دست را شامل می‌شوند.<sup>۱</sup> تنوع مطالب و امور آداب‌نامه‌ها به گسترش و تنوع امر روزمرهٔ مردمان از دیر باز تاکنون است و از این رو می‌توان نام آداب‌نامه‌های اجتماعی بر آنها گذارد. آداب‌نامه‌ها مجموعه‌ای از دستورنامه‌ها است که رفتارهایی اجتماعی را تجویز می‌کنند. آنها نمادی از هنجارهای اجتماعی را بازتاب می‌دهند که برشنت، اخلاق و رفتارهای اجتماعی مورد پذیرش عرف تاکید دارد که البته گاه به اخلاق و امور مذهبی نیز نزدیک می‌شود. از این رو آداب‌نامه‌ها گاه با کتب فقهی و گفتارهای تادیبی - تنبیهی و فقهی - دینی نیز نزدیک می‌شود. آداب نماز، آداب حج، آداب روزه و آداب الشریعه نمونه‌هایی از این دست اند.<sup>۲</sup> اندرنامه‌ها، پندنامه‌ها و نصیحت‌نامه‌ها نیز از همان سنخ آداب‌نامه‌ها هستند. پند و اندرزها در این دسته از منابع عرفی، دینی، تجربی و توصیه‌ای هستند. در کل آداب‌نامه‌ها در قالب حکمت ارسطویی که به دوبخش عملی و نظری تقسیم می‌شد در حوزه حکمت عملی در کنار سیاست مدن و تدبیر منزل قرار می‌گیرد.

سنت آداب‌نامه‌نویسی به دوره باستان ایران برمی‌گردد. از این دست می‌توان به کتاب‌های شایست - نشایست اشاره کرد که وظیفهٔ تعلیم آداب و اخلاق اجتماعی و فردی را به عهده داشتند. در دوره نخستین اسلامی این گونه آثار با عناوینی همچون آداب‌الفرس یا آداب‌الکبیر ترجمه شدند. عنوان آداب توسط ابن مقفع در ترجمهٔ این گونه متون به کار رفت و در قرون متوالی اسلامی در شکل‌ها و عناوین متعدد به حیات خود ادامه داد. آداب‌نامه‌نویسی ساحت‌های گوناگونی را درنوردید، سیاست، فلسفه اخلاق و امر اجتماعی و به لحاظ محتوایی ترکیبی شد از اندرنامه‌ها و سیاست‌نامه‌های دوره باستان ایران و دیگر تمدن‌های باستانی که

۱. برای نمونه بنگرید به: [مؤلف ناشناس]، ۱۳۱۳ق، آداب غذاخوردن و سخن گفتن، تهران، کتابخانه مجلس، ۱/۱۵۹۸؛ [مؤلف ناشناس]، (اوایل قرن ۱۴ق)، مرد و آداب مردی، تهران، کتابخانه ملی، ۸۱۴۵۶۱۹۷.

۲. برای نمونه بنگرید به: محمد باقر فشارکی، ۱۳۸۸، آداب الشریعه، به کوشش محمد هاشم زاده، اصفهان، نقش نگین؛ [مؤلف ناشناس]، (نیمه اول قرن ۱۳ق)، آداب دعا (آداب و رسوم دعاها)، تهران، کتابخانه مجلس، ۳/۵۲۱.

آثار آنان در عصر ترجمه به عربی برگردانده شد. همچنین از فرهنگ اسلامی، از آیات و احادیث اسلامی نیز بهره گرفت. بنابراین محتوای ترکیبی این گونه متون، تلفیقی شد از فرهنگ باستان و فرهنگ اسلامی که در دوره صفویه به مبانی فقهی و فکری تشیع نیز آمیخته شد. این روند تا دوره قاجار ادامه یافت که تنوع و تعدد آداب‌نامه نویسی گسترده‌تر شد.

آداب‌نامه‌های اجتماعی آن دسته از منابع تاریخ اجتماعی هستند که کمتر مورد توجه پژوهشگران اجتماعی بودند. در این دسته از منابع نخبگان اجتماعی و صاحبان اندیشه وظیفه تجویز دستورات تعلیمی برای آموزش رفتارهای اجتماعی را به عهده داشتند. بایدها و نبایدهای اجتماعی، عرف و روش‌های قابل پذیرش اجتماعی و هنجارهای مرسوم که از دل عرف، سنت و تجربه‌های دیرین برآمده در رسائلی با عنوان آداب‌نامه‌های اجتماعی قابل طبقه‌بندی هستند. البته ایده‌ها و توصیه‌های تعلیمی آداب‌نامه‌ها عمدتاً نمونه‌های مثالی و ایده‌آل آن امور را طرح می‌کردند و مردم جامعه را به حرکت به آن سو دعوت و یا توصیه می‌کردند. آداب‌نامه‌ها در هر دوره معیار هنجاری یا ناهنجاری هر کنش اجتماعی را مطرح می‌کردند. نویسندگان آداب‌نامه‌های اجتماعی که نخبگان فکری دوران خود بودند، گاه تثبیت‌کننده وضع موجود و سنت‌های متداول زمانه خود بودند و گاه تحول‌آفرین و دگرگون‌کننده شرایط موجود محسوب می‌شدند. آداب‌نامه‌های اجتماعی بازتاب دهنده آداب و رسوم یک جامعه یا گروه و یا طبقه‌ای اجتماعی در زمانی خاص بودند که از منظر تاریخ از پایین<sup>۱</sup> مملو از موضوعاتی قابل توجه‌اند، همچون آداب صحبت، آداب نکاح، آداب سفر، آداب غذا، آداب پوشاک، آداب حمام، آداب معاشرت و نمونه‌های از این دست که به امر روزمره مردم و هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده اشاره دارد.<sup>۲</sup>

۱. برای آگاهی بیشتر در مورد تاریخ از پایین بنگرید به: پتر برک، "تاریخ جدید، گذشته و آینده"، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال ۱۳۸۶، ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۴-۲۱.  
 ۲. برای نمونه بنگرید به: [مؤلف ناشناس]، [اوایل قرن ۱۳ ق.]، آداب سخن گفتن و غذاخوردن، تهران، کتابخانه دانشگاه تهران، ش ۴۸۶۴؛ [مؤلف ناشناس]، ۱۲۴۵ق.، آداب خضاب و سرتراشیدن، تهران، کتابخانه مجلس، ش ۱۴۰۹۸.

دوره قاجار آغاز مراوده ایران با دول اروپایی بود. در دوره ناصری نوگرایی، حوزه‌های گوناگون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و جامعه را درنوردید. عناصر جدید زمینه پرسش‌هایی را فراهم کرد که جامعه سنتی ایران را به چالش طلبید. ورود کالاهای جدید، ایده‌های جدید و آداب جدید، سپهر جدیدی در جامعه و در ذهن اندیشه‌ورزان ایجاد کرد که طبعاً بر آداب‌نامه نویسی این دوران نیز تاثیر گذارد. آداب‌نامه‌های اجتماعی دوره قاجار به لحاظ تعداد و تنوع از گستره بیشتری برخوردار شدند. دسته‌ای از آداب‌نامه‌ها تا اواسط دوره ناصری عمدتاً به سنت‌های اجتماعی پیشین وفادار بودند و با تلفیق و جوهی از عناصر فرهنگ ایران باستان، یونان، اسلام بخصوص آیات و احادیث، و فرهنگ شیعی؛ عمدتاً بر حفظ وضع موجود تاکید داشتند. دسته‌ای دیگر از آداب‌نامه‌ها اجتماعی، از اواخر عهد ناصری به دلیل نفوذ و گسترش تدریجی افکار و عقاید نوگرایانه و مراودات بیشتر سیاسی و فرهنگی با دول اروپایی، عناصری از فرهنگ اروپایی را بر محتوای تعالیم خود وارد کردند که با آداب‌نامه‌های سنتی و مرسوم گذشته متفاوت بود که این دسته از آنها را به دلیل دارا بودن ویژگی‌های دوره گذار، آداب‌نامه‌های گذاری می‌نامیم. در این نمونه‌ها کوشیده می‌شد رفتارهای اجتماعی جوامع دیگر به عنوان نمونه‌های ایده‌آل متفاوت با شکل‌های سنتی مرسوم ارائه شود. دولت‌آبادی کتابی با عنوان آداب معاشرت منتشر می‌کند که در آن تمامی رفتارهای اجتماعی زنان اروپایی تعلیم داده می‌شود، شیوه نشستن، راه رفتن و حضور در محافل اجتماعی و فرهنگی که مردان و زنان در آن حضور داشتند و برای زنان ایران در آن زمان تجربه‌ای جدید محسوب می‌شد.<sup>۱</sup> مشروطیت گفتمان نوگرایی فکری و اجتماعی را تقویت کرد. آداب‌نامه‌های گذاری که به گفتمان جدید دل بسته بودند، دیگر قرائتی از سنتی مشترک را ارائه نمی‌دادند، بلکه عناصر جدیدی از فرهنگ اروپایی را مطرح می‌کردند که برخی از هنجارهای سنتی را به چالش می‌کشید و گفتمان جدیدی را تعلیم و تبلیغ می‌کرد.

۱. نگاه کنید به: صدیقه دولت‌آبادی، [بی تا]، آداب معاشرت، تهران، کمیسیون ادبی کانون بانوان.

دسته‌ای از آداب‌نامه‌های اجتماعی به مساله تعلیم و تربیت پرداخته‌اند. تا پیش از نخستین گام‌های اصلاحات نوگرایانه در دوره قاجار، تعلیم و تربیت روند معمول سنتی داشت. مکتب‌خانه‌ها برای عموم و معلم سرخانه برای اعیان و اشراف شیوه‌ای مرسوم بود که در حد آموزش احکام مذهبی، قرآن، صرف و نحو عربی و ادبیات قدیم فارسی و حساب و کتابی مختصر خلاصه می‌شد. این میزان از آموزش پاسخگوی نیازهای اجتماعی مردم در چارچوب ساختار سنتی جامعه بود. افراد در این شیوه برای کارکردن در زمینه‌ای خاص و کسب و کاری مرسوم آماده می‌شدند. دختران عمدتاً در سن پایین ازدواج می‌کردند و خیلی زود به خانه بخت می‌رفتند. آنان باید برای ایفای نقش مادری و همسری آماده می‌شدند و این جمله معروف که دختر آخر باید شوهر کند درس خواندن به چه دردش می‌خورد نشانگر این بود که جامعه سنتی از آنها بیش از این طلب نمی‌کرد. پس ایفای چنین نقش‌هایی نیاز به آموزش دروس جدید نداشت و کاربردی نیز در زندگی آنان نداشت. زبان خارجه، فیزیک، ریاضی، طبیعیات، هندسه، شیمی، جبر و علوم از این دست برای زندگی واقعی دختران بی‌حاصل تلقی می‌شد، چراکه دختران و زنان به لحاظ اقتصادی زیرمجموعه پدران و همسران خود تلقی می‌شدند، امکان کسب درآمد مستقل، فعالیت شغلی و حضور اجتماعی در این راستا نداشتند.

آموزش سنتی همچون دیگر عناصر درساختار سنت کاربرد منطقی در چارچوب ساختاری آن داشت.<sup>۱</sup> آموزش پسران نیز هرچند شرایط بهتری از دختران داشت ولی آن نیز بیشتر مبتنی بر پاسخگویی به نیازها و ایفای نقش‌های اجتماعی و خانوادگی آنان در جامعه بود. پسران عمدتاً در چارچوب

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: شمس‌الدین رشديه، ۱۳۶۲، سوانح عمر، تهران، نشر تاریخ؛ یحیی دولت‌آبادی، ۱۳۶۱، حیات یحیی، تهران، عطار و فردوسی؛ همچنین برای آشنایی با شیوه آموزش دختران بنگرید به: اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی، ۱۳۷۸، به کوشش سهیلا ترابی فارسانی، تهران، سازمان اسناد ملی؛ سهیلا ترابی فارسانی، ۱۳۹۸، زن ایرانی در گذار از سنت به مدرن، تهران، نشر نیلوفر، ص ۶۱-۷۸.



نظم طبقاتی جامعه مسیر شغلی پدر را دنبال می‌کردند. هنجارهای اجتماعی مسیر معینی را برای آنان ترسیم می‌کرد و آموزش تفکر تبعیدی و تقلیدی، زندگی آنان را در ساختار هنجارهای اجتماعی سنتی شکل می‌داد.

آنچه در آداب‌نامه‌های مربوط به تعلیم و تربیت تا پیش از دوره‌های اصلاحات در دوره قاجار می‌توان یافت تأکید بر رفتارها و چارچوب‌هایی است که در ساختار اجتماعی سنت کاربرد و ضرورت دارد. از این رو، این دسته از آداب‌نامه‌ها مبلغ تعلیم آمرانه و انتقال دانش و تجربه گذشتگان با روش‌های انضباطی بودند. آموزش‌ها معلم محور و دانش‌آموزان منفعل بودند و مشارکت فراگیری در امر آموزش نداشتند. تربیت کودکان براساس تفکر تبعیدی و تقلیدی و اطاعت بی‌چون‌وچرا از معلم در راستای آموزش هنجارهای اجتماعی صورت می‌گرفت. در واقع مجموعه‌ای از شایست و نشایست‌های عرفی و مذهبی تعلیم داده می‌شد. توجه به وضعیت بهداشتی محیط آموزش و سلامت جسمی و روحی شاگردان مورد عنایت نبود. مکتب خانه گاه در مکان‌هایی سرد و تاریک و نمناک بود که موجب سرایت انواع بیماری‌های گوناگون مثل کچلی، آبله، سرخچه، مخملک و نمونه‌های از این نوع بیماری‌ها می‌شد.<sup>۱</sup> علاوه بر بیماری‌های جسمی، به دلیل بهره‌گیری از روش‌های خشونت‌آمیز تنبیهی در مکتب خانه‌ها که سال‌های بعد نیز در مدارس جدید نیز تداوم یافت، استفاده از انواع چوب و فلک و ترکه‌های انار که گاه خود دانش آموز می‌بایست برای تنبیه خودش آماده می‌کرد متداول بود. همچنین خشونت‌های کلامی، دشنام و تحقیر اطفال برای تربیت و رام کردن آنها از روش‌هایی بود که در تعلیم و تربیت قدیم بکار می‌رفت.<sup>۲</sup> به شاگردان توصیه می‌شد از تنبیه‌هایی که برای آموزش آنها انجام می‌شود ناراحت نشوند چون

۱. میرزاتقی خان کاشانی، ۱۲۹۳ق.، تربیت نامه ای در قواعد تعلیم و تربیت اطفال، تهران، کتابخانه ملی نسخه ش: ۷۸۱۱۷۰، ص ۲۹-۳۰.

۲. حسن منطق الملک، ۱۳۲۴ق.، مفتاح اللسان، معلم الاطفال، تهران کتابخانه ملی، نسخه ش ۷۸۲۳۱۹، ص ۶۸.

این روش به صلاح و خیر آنها است.<sup>۱</sup> البته در آن زمان متولیان آموزش متوجه این نکته نبودند که آسیب‌های اساسی که از این طریق به روح و روان دانش‌آموزان وارد می‌گردید گاه تا پایان عمر با آنها همراه می‌ماند. جایگاه معلم و شاگردی وجهی همانند مرید و مرادی داشت. نام آموزگار را باید با تعظیم و احترام یاد کرد. باید زمام خود را به او سپرد. در برابرش بی‌ادبی نکرد. حتی مخالفت با وی مغایر دستورات شرع تلقی می‌شد.<sup>۲</sup> شاگرد باید به وقت و با اجازه سوال بپرسد و آن را بی‌جهت تکرار نکند. در کلام معلم مداخله و اختلال نکند و با نظر وی به صراحت مخالفت ننماید. آداب‌نامه‌ها می‌کوشیدند دستورالعمل‌های مورد پذیرش در دوران‌های گذشته را به زمانه و دوران خود تسری دهند و رفتارهای اجتماعی را طبق سنت پیشینیان سامان‌دهی کنند. همانطور که شاگرد باید آدابی را رعایت کند، معلم نیز باید به دانش و فن تسلط داشته باشد ماهر، عاقل، باخدا، پاکدامن، متدین و پرهیزکار باشد و آداب رفتار با کودکان را بداند؛ شیرین‌گفتار و دارای اخلاق حسنه و حسن سیاست باشد و بیش از طاقت او از وی نخواهد و در تعلیم بخل نورزد و علومی که باعث فساد است آموزش ندهد. در هر صورت در تعلیم و تربیت سستی هرکدام از عناصر دخیل در آموزش و وظایف و روابط متقابلی به عهده دارند. رساله آداب‌المعلمین مهم‌ترین اثر در این راستا بود که بارها در دوره قاجار استنساخ و بعدها چاپ سنگی شد.

در دوره گذار که پیش از آن اشاره شد، ورود افکار جدید و گسترش عناصر نوین در آموزش و تعلیم و تربیت نیز راه خود را گشود. آگاهی از تحولات جهانی، پرسش‌ها و چون و چراهایی در فرهنگ بومی ایجاد کرد که در حوزه تعلیم و تربیت موجب نخستین انتقادات به شیوه آموزش در مکتب

۱. احمد سعادت، ۱۳۲۳ق.، دستورزدگانی، تهران، کتابخانه مجلس، نسخه ش. ۱۱-۱۰۰۶۴، ص ۵۵-۵۶.

۲. محمود قائم مقامی، ۱۳۰۶ق.، دستور تربیت، ج ۲ تهران کتابخانه مجلس، نسخه ش ۹-۱۲۰۲۲، ص ۶.

خانه‌های سنتی شد. مشروطیت با تقویت گفتمان جدید امکان به چالش کشیدن روش‌های سنتی را بیشتر فراهم کرد. هرچقدر به اواخر دوره قاجار نزدیک می‌شویم شیوه‌های آموزش اروپایی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به همان نسبت روش‌های قدیم زیر سوال می‌رود. البته باید به این نکته اشاره کرد که این روش‌هایی که نوین می‌نامیم مربوط به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در اروپا بوده است که طبعاً با روش‌های امروزی آموزش تفاوت بسیار دارد.

در سال ۱۲۹۳ ق. / ۱۸۷۵ م میرزاتقی‌خان کاشانی رساله‌ای با عنوان تربیت نامه‌ای در قواعد تعلیم و تربیت اطفال نگاشت و به انتقاد از روش مکتب‌خانه‌ای پرداخت. او به وضعیت بهداشتی مکتب‌خانه‌ها و مسأله سلامت اطفال در این مکان‌ها پرداخت و انتقاداتی را به شیوه سنتی آموزش وارد کرد.<sup>۱</sup> این نوع آداب‌نامه‌های مربوط به تعلیم و تربیت از گونه آداب‌نامه‌های گذاری بودند که سنت‌ها و رسوم متداول را زیر سوال می‌بردند و در پی ایجاد طرحی نو بودند. اینها نمونه‌هایی از آداب‌نامه‌هایی بودند که قواعد نوینی را ارائه می‌دادند و جوهی انتقادی از شیوه تعلیم و تربیت سنتی را بازتاب می‌دادند و ابعادی از شیوه‌های آموزش اروپایی که با شیوه سنتی مغایرت داشت مطرح می‌کردند. این دسته از اندیشه‌ورزان زمینه‌های فکری تغییرات نظام آموزشی را مهیا می‌کردند و در کنار اصلاح‌طلبان حکومتی قرار داشتند که زمینه‌های عملی و اجرایی تغییر گفتمان را فراهم می‌نمودند.

آداب‌نامه‌های گذاری به انتقاد از عناصری از شیوه‌های سنتی آموزش می‌پردازند و تفاوت‌هایی با آداب‌نامه‌های سنتی دارند ولی این به آن معنا نیست که بطور کل خواهان تغییراتی اساسی هستند. در این گونه آداب‌نامه‌ها صرفاً برخی از عناصر تعلیم و تربیت سنتی به چالش کشیده می‌شود ولی در کل در

۱. میرزاتقی‌خان کاشانی، ۱۲۹۳ ق.، تربیت نامه‌ای در قواعد تعلیم و تربیت اطفال، تهران: کتابخانه ملی، نسخه ش ۷۸۱۱۷۰، ص ۷۰-۷۳.

آداب‌نامه‌های گذاری ملغمه‌ای از عناصر نو و عناصر سنتی به صورت درهم تنیده وجود دارد و طبعاً به این معنا نیست که در هر آداب‌نامه گذاری همه عناصر این گونه آثار موجود است. بروز اندیشه‌های نو در حوزه آموزش نیز زمینه‌های نقد آموزش سنتی و طرح نقدهایی را در این زمینه فراهم کرد. تفاوت‌هایی که در عناصر تعلیم و تربیت در آداب‌نامه‌های سنتی و گذاری قابل طرح است می‌توان در جدول ذیل به صورت خلاصه اشاره کرد:

عناصر آداب‌نامه تعلیمی سنتی	عناصر آداب‌نامه تعلیمی گذاری
پند و اندرزها برخاسته از احادیث و متون مذهبی	تعالیم عرفی، عقلی، تربیتی و روانشناختی
اطاعت بی چون و چرا	به شدت گذشته بر اطاعت بی چون و چرا تاکید نداشتند [شیوه‌های آموزشی نوین امروزه بر روش تفکر انتقادی و تقویت خلاقیت تاکید دارند]
شاگردپروری و اهمیت این که هراستاد چند شاگرد برجسته برای تداوم اندیشه یا حرفه اش بپروراند	به مساله شاگرد پروری توجه چندانی نشده [ شیوه آموزش نوین امروزه در این زمینه چندان موفق نبوده]
رابطه مرید و مرادی بین معلم و شاگرد و تقدس بخشیدن به مقام معلم	معلم صرفاً آموزش دهنده بود
تنبيه بدنی و خشونت رفتاری و کلامی / تربیت آمرانه	مهربانی و ملایمت و توجه به تاثیرات روانی تنبيه‌های بدنی / تربیت آگاهانه
روش نقلی- قیاسی مبتنی بر محفوظات [جمع آوری و تلخیص نوشته‌ها ی پیشینیان و عمل به آن برای تربیت صحیح فرد کافی بود]	آموزش علوم متنوع جدید برای کسب مهارت‌های جدید متداول شد.
زمان سعد و نحس در آموزش مورد توجه بود	زمان در آموزش تعیین کننده نبود
تعلیم سلسله مراتبی و از بالا به پایین اعمال می‌شد	تعلیم تعاملی و افقی است

عناصر آداب‌نامه تعلیمی ستی	عناصر آداب‌نامه تعلیمی گذاری
کودک ظرف خالی تلقی می‌شد که بانصیحت و اندرزبه موقع می‌توان شکل درستی به آن داد	علاوه بر آموزش، شرایط اجتماعی-فرهنگی و تجربه های زیستی در شکل گیری شخصیت کودک تاثیر گذار است
روش های آموزشی آمرانه و انضباطی بود [افراد برای کارکردن در زمینه خاص و برای کسب درآمد آماده می‌شدند]	روش آموزشی آمرانه و انضباطی بطور معتدل تری اعمال می‌شد [ روش های آموزشی نوین امروزه بر توانایی در حل مساله تاکید دارد]
معلم محور و دانش آموز منفعل است	امکان پرسش گری بیشتر می‌شود [امروزه بر روش های دانش آموز محور تاکید می‌شود و مشارکت فراگیر]
منابع آموزشی صرفا بر اساس منابع مکتوب است	فرا تر از منابع مکتوب توصیه می‌شود
عملکرد تعبدی-تقلیدی آموزش داده می‌شود	به شیوه تعبدی نقد می‌شود که موجب می‌شود شاگردان فاقد قدرت و شهامت شوند [امروزه بر تفکر انتقادی و خلاق تاکید می‌شود]
محیط آموزشی و سلامت جسمی و روانی دانش آموزان مورد توجه نبود	بهداشت محیط و سلامت دانش آموزان و لباس و وسایل آنها مورد توجه بود
آموزش اخلاقیات و هنجارهای اجتماعی مثل درستکاری، عدالت طلبی، مسئولیت پذیری و مواردی از این دست بر اساس اصول مذهبی و عرفی بود	اخلاقیات با تکیه بر علم و عرف و اصول تربیتی بود
همه شاگردان با الگوی یکسانی سنجش می‌شدند	تفاوت های فردی شاگردان دیده می‌شود
روش قدیمی آموزش الفبا ( کل به کل )	روش جدید آموزش الفبا (جزء به کل)
سکون و بی تحرکی دانش آموزان در محیط آموزشی توصیه می‌شد	توجه به ورزش و فعالیت بدنی دانش آموزان توصیه می‌شد

براساس آداب‌نامه‌های تعلیمی سنتی، افراد لوح‌های سفیدی بودند که از طریق پند و اندرزهای برآمده از متون مذهبی می‌شد آنها را تربیت کرد. تربیت آمرانه بود و براین باور بودند که اگر نصیحت و اندرز پاسخ نداد می‌توان از تنبیه بدنی و خشونت رفتاری و کلامی برای به راه آوردن افراد استفاده کرد. شاگرد باید عبد و عبید معلم می‌بود و او را ستایش می‌کرد و رفتاری احترام آمیز نسبت به او می‌داشت. دانش آموزان در این شیوه آموزشی مجبور به انباشت محفوظات بودند. آنان حق پرسش‌گری و چون‌وچرا نداشتند. شیوه آموزش آمرانه بود و شکل سلسله مراتبی و از بالا به پایین داشت. کسانی تشویق می‌شدند که مطیع و منضبط بودند. شاگردان براساس الگوهای ثابت و یکسانی که همان هنجارها و سنت‌های متداول اجتماعی بود تربیت می‌شدند. آموزش‌های اخلاقی براساس اصول مذهبی و عرفی جامعه بود و کودکان نیز برای ایفای نقش‌های اجتماعی متداول آن روزگار آموزش می‌دیدند بر همین اساس مواد درسی نیز تنوع چندانی نداشت.

نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی به تدریج نقدهایی به شیوه‌های مرسوم و سنتی تعلیم و تربیت ایجاد شد. شیوه‌های آموزش اروپایی همچون ورود عقلانیت به ساختار آموزش، بهداشت فردی و بهداشت محیط آموزش، توجه به جسم و روان دانش‌آموز، مواد درسی متنوع و نظری و افزایش مهارت‌های عملی دانش آموزان مورد توجه قرار گرفت. کودکان باید در شرایط مناسب پرورش می‌یافتند و صرف نصیحت و اندرز برای شکل دادن شخصیت آنها کفایت نمی‌کرد، بلکه تجربه‌های زیستی و شرایط پرورشی آنها بود که شخصیت‌شان را شکل می‌داد. اطاعت محض و رابطه مریدی و مرادی کاهش یافت و به ابتکار و پرسش‌گری اهمیت داده شد. در کل روش‌های سنتی تعلیم و تربیت مورد نقد قرار گرفت و به تدریج و به تناسب در آداب‌نامه‌های تعلیمی گذاری نیز وارد شد و هرکدام از آنها یک یا چند مورد از موارد انتقادی را طرح کردند. اما تغییرات در این حیطه به یکباره صورت نگرفت. سال‌ها و

دهه‌ها سپری شد تا هرکدام از این دگرگونی‌ها امکان بروز یابند. با توجه به تغییراتی که در آداب‌نامه‌های تعلیم و تربیت ارائه می‌شد نخستین زمینه‌های فکری تحول‌گفتمان آموزشی همزمان با روند ایجاد مدارس نوین در دوره قاجار مهیا گردید.<sup>۱</sup>

### نسخه‌های خطی این مجموعه

در این اثر دو نسخه خطی از مجموعه آداب‌نامه‌های اجتماعی در حوزه تعلیم و تربیت برگزیده شد که نخستین آن تربیت اطفال<sup>۲</sup> اثر رضا مترجم‌السلطان است که در سال ۱۳۲۱ق./۱۹۰۳م چند سال قبل از پیروزی مشروطیت در ۵۹ برگ نگاشته شده است. این رساله در قالب شرحی است که نویسنده در مورد تولد پسرش آقا طاهر می‌دهد و این که او و همسرش چه افکار و تمهیداتی برای تربیت وی اندیشیدند و معتقد است تربیت که "مبنای مدنیت و وجدان" است به خانه و خانواده برمی‌گردد.<sup>۳</sup> این رساله مربوط به تربیت فرزند در طبقه اعیان و اشراف است و طبعاً مخاطب آن نیز افراد این گروه اجتماعی اند که قادر به استخدام معلم سرخانه برای آموزش فرزندانشان هستند. این اثر عمدتاً بر تربیت فرزندان پسر تاکید داشته، از این رو دومین رساله را در ارتباط با تربیت دختران برگزیدیم که نگاه تربیتی به هردو جنسیت بررسی شده و امکان مقایسه فراهم شود. در رساله نخست تربیت اطفال شرح مفصلی از چگونگی مراحل آموزشی و تربیتی فرزند پسر خانواده که با نام آقا طاهر در متن از وی یاد می‌شود از زبان پدر خانواده گفته می‌شود که البته در این روند تربیتی مادر نیز حضور و تأثیر دارد و پدر توضیح می‌دهد که مادر را توصیه و نصیحت کرده تا "در اجرای تکلیف مادری" کم و کاستی نباشد و حتی "اندرزنامجاتی" برای

۱. برای آگاهی از روند این تغییرات بنگرید به: گزیده اسناد نظام آموزش و مجلس شورای ملی، ۱۳۸۹، به کوشش سهیلا ترابی فارسانی، تهران، انتشارات مجلس، مقدمه، ص ۲۳-۴۴.  
 ۲. رضامترجم السلطان، ۱۳۲۱ق.، تربیت اطفال، تهران، کتابخانه ملک، نسخه ش ۱۳۷۳۷-۱۳۴۳:۶۲۴۳.  
 ۳. همان، ص ۱۷.

مطالعه مادر تهیه کرده وهم ندیمه ای برای تربیت و همنشینی با وی تعیین کرده.<sup>۱</sup>

در این نوع آداب‌نامه‌ها بر رابطه معلم و شاگردی تاکید زیاد می‌شود و این که کودک مانند بذری است که شما می‌کارید و مراقبت از او تا به سن تشخیص برسد اهمیت بسیاری دارد. از این رو انتخاب معلم برای درست تربیت شدن تعیین کننده است. معلم شأنی در حد "اولیای روحانی" دارد و احترام به او واجب است. اگر تربیت ناقص باشد به دلیل غفلت از انتخاب مربیان تربیت یافته است که یا جاهل بوده‌اند یا نالایق.<sup>۲</sup> این شیوه تربیتی نقش ویژه و تعیین کننده‌ای برای معلم و مربی قائل است، نقشی تقدس گونه که معلم مرجع و مرید است و همه چیز به او ختم می‌شود که راه را از چاه باز نماید. این نگاه تربیتی ذات‌گرایانه نیست و معتقد است بشر در فطرت خود نیکو است و اگر کژی هست به دلیل تربیت بد است<sup>۳</sup> و اگر کودک به درستی تربیت شود به "نیک خواهی" و "رفتار حمیده" متمایل می‌شود.<sup>۴</sup> تاکید بر تهذیب اخلاق معلم و تاثیر تعیین کننده آن بر شاگردان، نوعی نگاه سلسله مراتبی و از بالا به پایین، آمرانه، تقلیدی و بی‌چون‌وچرا است و نه روشی تعاملی و برابر. مانعی که برای پیشبرد این روش مطرح می‌شود مادران‌اند که آنها را موجوداتی مهرورز می‌داند که "محبت بوالهوسانه" آنها به فرزندانشان، تربیت آمرانه و سخت‌گیرانه را مخدوش می‌کند.

علاوه بر نقش معلم برنقل پیشینیان نیز تاکید می‌شود این که "کتابی از اندرز قدما" تهیه کرده تا به شیوه تربیت درست دست یابد. در این شیوه از آنجا که زمان در ساختار سنت عمدتاً تغییر چندانی ندارد پس اندرز قدما کارساز است. همچنین به مهیا کردن شرایط اشاره دارد مثلاً ترتیب اتاق

۱. همان، ص ۱۷-۱۸.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۲۶.

۴. همان، ص ۲۱.



جداگانه‌ای با لوازم تحصیلی برای آفاطاهر که عمدتاً این نیز می‌تواند توجه به عنصری نوین در آموزش باشد که تحت تاثیر فرهنگ اروپایی ایجاد شده. بر این اساس معلم مذهب، اندرزنامه پیشینیان و فراهم کردن شرایط محیطی بخش عمده‌ای از تعلیم و تربیت آمرانه است که با کنترل، تنبیه و نصیحت و اندرز می‌توان بر لوح سفیدی که تمایل به نیکی دارد تاثیر گذارد و شیوه درست تربیتی را پیش برد. البته از آنجا که شیوه زندگی در ساختار سنت عمل گرایانه، کاربردی و مبتنی بر نیازهای عینی افراد سامان یافته بود، عامل دیگری را نیز در تربیت دخیل می‌داند که آنرا "اخلاق معاشرتی" می‌نامد که برهنجارهای مورد پسند عموم اشاره دارد، "مجالست با مردان مجرب کار دیده جهان پیموده"<sup>۱</sup> که شخص را پخته می‌کند و رفتارهای اخلاقی او را می‌آزماید، "نتایجی است که حضرت پروردگار از آفات و حوادث روزگار به ما می‌چشاند"<sup>۲</sup> در واقع مواجهه ما با فراز و فرودهای زندگی و رویکردها و انتخاب‌های ما و نتایجی که از این تجربه‌ها می‌آموزیم ویژگی‌های اخلاقی و تربیتی ما را تکمیل می‌کند. "عمده ابتلا به آفات و حوادث است که شخص را آزموده می‌گرداند" در واقع در این نوع رویکرد عمل گرایانه، کسانی که تجربه زیستی آنها وسیع تر باشد به لحاظ پختگی در رفتار و اعمال خود بهتر و آزموده تر عمل می‌کنند.

اهداف اساسی تربیت را این گونه برمی‌شمرد "نیک فطرتی و نیکوکرداری"، قناعت، وطن پرستی، وظیفه شناسی، وقت شناسی و اعتماد به خویش که از مشخصه‌های شخصیتی مورد پذیرش در جهان معاصر نیز هست. تأکید بر این موارد ما را به چند نکته از ویژگی‌های مثبت تعلیم و تربیت سنتی رهنمون می‌کند. در شیوه پیشین صرفاً آموزش مدنظر نبوده بلکه خصوصیات روحی و رفتاری افراد نیز مورد توجه بوده، خصوصیات که هم وجهه و

۱. همان، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۳۱.

رویکردی اجتماعی داشته و هم عمل‌گرایانه و کاربردی بوده مثلاً به این اشاره دارد که اگر خوب تربیت شوی می‌توانی وظایف را برای جامعه‌ات به درستی انجام دهی و این که انسان بتواند "تکالیف وطن خویش و کیش خود را چنانچه شاید و باید مجری و معمول دارد."<sup>۱</sup> از موارد مورد توجه تربیت سنتی بود. شاگردپروری نیز از مشخصه‌های نیکوی تعلیمات سنتی بود که تداوم اندیشه یا حرفه‌ای را در مسیر آینده معنادار می‌کرد و تداوم تجربه‌های بشری را ممکن می‌کرد. به شاگردان نیز توصیه می‌شد با همکلاسی‌هایشان مراوده کنند و در محیطی که همراه خوردن و آشامیدن است با یکدیگر پرسش و گفتگو کنند و درس بخوانند. همچنین آنان را از اموری مثل سیگار و مسکرات باز می‌داشتند و در مورد تأثیرات آن بردن به‌طور مفصل قلم‌فرسایی می‌شد.<sup>۲</sup>

دومین نسخه این مجموعه در آداب‌نامه‌های اجتماعی، تربیت البنات اثر میرزا عزیزالله‌خان منشی است که اختصاص به چگونگی تربیت دختران دارد. به گفته خود عزیزالله‌خان این اثر از متنی به زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده است که اقتباس و ترجمه در پانزده رجب ۱۳۲۹/۱۹۱۱م در ۱۹۰ صفحه به پایان رسیده است. متن به تأیید وزارت معارف می‌رسد و چون آن را مفید می‌یابند، قرار شد در کلاس دوم مدارس دختران تدریس شود. البته مترجم متذکر می‌شود برخی مطالب که با "اخلاق و عوائد وطنی ما بی‌تناسب و نقل آن به فارسی خالی از ضرورت بود" ترجمه نشده، در این رساله براین تأکید می‌شود که هدف این رساله تربیت دختران است که از "سن طفولیت از طریقه و اسلوب زندگانی خیر یابند و به رسوم تربیت مستحضر گردند تا چون مادر و رئیس خانواده شوند ادای حقوق عائله نمایند."<sup>۳</sup> این نکته قابل توجه است که تربیت البنات نیز در زمره آداب‌نامه‌های گذاری پس از مشروطیت است و

۱. همان، ص ۳۲-۳۵.

۲. همان، ص ۴۵.

۳. میرزا عزیزالله‌خان منشی، ۱۳۲۹ق، تربیت البنات، تهران، کتابخانه ملی نسخه ش: ۵۵۵۴۹.

برخلاف آداب‌نامه‌های سنتی که به اندرزنامه‌های سنتی متکی بر توصیه‌های پیشینیان وابسته بودند مطالب خود را از رسایل اروپایی می‌گرفتند و به فارسی زبانان ارائه می‌دادند.

وظیفه این رساله آموزش کدبانوگری است که به معنی "اداره امور تربیتی و تقسیم آن به انتظامات شایسته است."<sup>۱</sup> در واقع در این رساله به دختران تدبیر منزل آموزش داده می‌شود که بتوانند به زندگی خود "وقوف و معرفی بخشدند."<sup>۲</sup> هدف از تربیت دختران برای ایفای نقش‌های هنجاری آنها یعنی نقش‌های مادری و همسری بود که هر دو این نقش‌ها در کدبانوگری معنی می‌یافت که همان علم تدبیر منزل بود. از ویژگی‌های زن کدبانو به مواردی همچون صبر، حسن خلق، ثبات اراده، نظم و ترتیب، چابکی و نظافت، همچنین دوری از تنبلی و خودپسندی اشاره شده.<sup>۳</sup> در این متن کوشیده می‌شود آداب خانه‌داری علمی آموزش داده شود. در واقع مفاهیم مدرن برآمده از مشروطیت، علم، قانون، عقل، وقت‌شناسی و نظم با نقش‌های زنان در خانه آمیخته شده و به امر خانه‌داری پیوند خورده و با عنوان خانه‌داری و علم بچه‌داری تبدیل به آداب‌نامه‌ای گذاری شده که خواهان جایگزین کردن آداب نوینی برای تربیت دختران است.<sup>۴</sup> برای چنین تربیتی وارد جزئیات مسایل خانه‌داری می‌شود و ابعاد گوناگون آن را در فصول مختلف می‌کاود و عمدتاً در لابلای مطالب و در جای جای متن بر این تاکید دارد که امر خانه‌داری نیز نیاز به دانش و آموزش دارد.

پس ضرورت آموزش دختران ایجاب می‌کند مطالبی در خصوص نظم

۱. همان، ص ۸.

۲. همان، ص ۴.

۳. همان، ص ۱۰.

۴. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: سهیلاترابی فارسانی، ۱۳۹۸، "نخستین نشریات زنان در تکاپوی دگرگونی امر روزمره"، زن ایرانی در گذار از سنت به مدرن، چاپ دوم، تهران، نشر نیلوفر، ص ۱۱۱-۱۳۲.

امور مادی، وقت شناسی، حساب و کتاب و دخل و خرج خانه، صرفه جویی، جدول تنظیم هزینه‌های زندگی، همینطور نظم اخلاقی و عقلی که ملازم رعایت مقام و احترام دیگران به فراخور است که از این نمونه احترام به پدر و مادر را نام می‌برد. عقلانیت و نظم در امورخانه، بهره‌گیری از شیوه علمی در پاکیزگی، نظافت خانه، رخت‌شویی و گندزدایی از پارچه‌هایی با جنس‌های متفاوت، بهداشت شخصی و حمام، آشنایی علمی با انواع غذاها و طریقه درست تغذیه و خرید مواد غذایی مغذی، همچنین مواردی که در محل سکونت باید در نظر داشت از جمله روشن و آفتاب گیر بودن، وجود جریان هوا، چگونگی گرمایش و روشنایی آن از مواردی است که باید دختران و زنان در اداره امور علمی خانه بر آن آگاه باشند.

در فصلی از این رساله به مسایل مربوط به پرستاری از مریض در خانه می‌پردازد. آگاهی‌هایی درمورد بیماری‌ها و داروهای گیاهی و خانگی برای درمان برخی بیماری‌ها داده می‌شود که به گونه ای کمک‌های اولیه تا آمدن پزشک محسوب می‌شود و برخی از آگاهی‌ها برای درمان بیماری‌های سطحی است که با مراقبت‌های خانگی بهبود می‌یابند. درفصلی دیگر به نکاتی در مورد مراقبت از کودکان اشاره می‌کند. رختخواب، لباس، تغذیه، نوع ظروف مورد استفاده در آشپزخانه و چگونگی حفظ و نگهداری و حتی دستور تهیه برخی غذاها و ارزش غذایی آنها در پایان ذکر می‌شود. همچنین می‌توان دستور پخت بسیاری از غذاها و تهیه مواد غذایی خانگی که در دوره قاجار از یک متن فرانسوی برگردانده شده و به فرهنگ غذایی کشور افزوده شده را در این مجموعه یافت که از نکات جالب این اثر به حساب می‌آید.

بنظر می‌رسد این رساله به این دلیل در مدارس تدریس شده که مطالب آن با ساختار سنت همخوانی داشته ولی می‌کوشد آن را تصحیح کند و به لحاظ علمی بهبود بخشد. علاوه بر آن می‌تواند موجب ترغیب خانواده‌ها برای تحصیل دختران شود. این که افراد را متقاعد کند که این آموزش‌ها و رفتن

دختران به مدارس جدید شرایط خانوادگی را بهبود خواهد بخشید و از ترس‌های متداول در آن زمان جلوگیری کند که آموزش دختران بنیاد خانواده را نابود نمی‌کند بلکه آن را تحکیم و بهبود می‌بخشد. نکته دیگر تمایز آشکار بین آموزش و تربیت دختران و پسران است. از آنجا که این دو رساله در فاصله زمانی نزدیک به هم نگاشته شده نشان‌دهنده این است که به رغم پیروزی مشروطه، سخت‌جانی فرهنگ سنتی در خصوص جایگاه زنان در خانواده و جامعه، راهی طولانی را در مقابل زنان و دختران این سرزمین برای گذار از سنت به نمایش می‌گذارد.

و در پایان به نکاتی در خصوص تصحیح این نسخ باید اشاره کنم در معنی برخی لغات فارسی و جمله‌ها و لغات عربی از فرهنگ نامه دهخدا، معین و فرهنگ‌نامه لغات عربی استفاده شده که به منظور جلوگیری از تکرار این نام‌ها از ذکر آنها در پاورقی خودداری شد. رسم‌الخط واژه‌ها به صورت جدید و شکل متداول امروزی آن تغییر یافت به‌طور مثال افعال و برخی کلمات جدا نویسی شد، برخی کلمات به شکل نوشتاری امروزی نوشته شد، به‌طور مثال منیجه به منیژه یا نمائیم به نماییم تبدیل شد. در متن هر جا که بیت شعری نوشته شده کلمه بیت قبل از آن حذف شده است. مواردی که نیاز به توضیحی داشته است در پاورقی به طور مختصر شرحی داده شده و موارد اندکی که در متن نسخه دوم در پاورقی وجود داشته است با ذکر کلمه مترجم مشخص شده است زیرا در نسخه دوم نویسنده که متن را از زبان فرانسه به زبان فارسی ترجمه کرده است در مواردی زیرنویس‌هایی را به متن افزوده است.

سهیلا ترابی فارسانی

اصفهان - بهار ۱۳۹۹